

شاعران کلاسیک کُرد

نویسنده: عبدالرقيب يوسف

ترجمه‌ی:

ابراهيم رشادت زاده، ناهید ملایی، سائمه خاکپور، اشرف سوری، کریم محمدنژاد

مقدمه

در ماه کانون اول (دی ماه) ۱۹۶۱ برای تألیف قسمتی از تاریخ گُردم **گُردستان** که به کتابخانه موصل (**مکتب مصعب الموصل**) در رفت و آمد بودم، استاد بزرگوار و اندیشمند **میرزا علی الدیوچی**، بوسیله مسولان کتابخانه، دفترچه‌ای در دست‌نویس نشانم داد، آن دفترچه در سال ۱۱۸۱ هجری (۱۷۶۷ م) توسط شخص ناشناسی نوشته شده بود. در داخل کتب‌خوار آن شخص اشعار بسیاری با زبان‌های گُردی و عربی نوشته بود. درست مانند کسانی که اشیاء گرانبها جمع می‌کنند، او نیز ۲۰۹ سال پیش، آن اشیاء گرانبها را جمع‌آوری کرده بود.

من ۱۸ شعر را در داخل آن دفترچه یافتم که از ۸ شاعر گُرد کرمانج، متعلق به ۲۰۹ سال پیش بودند.

آن اشعار را بسیار گرانبها یافتم و به همین دلیل آنها را نزد خود نوشتم. آن اشعار متعلق به این شاعران می‌باشد: دو شعر متعلق به **علی جزیری**، پنج شعر سروده **ملای باته ای**، دو شعر از **فقیه طیران**، دو شعر متعلق به **ملای جزیری** که در دیوان او چاپ نشده‌اند، سه شعر از **مینا**، یک شعر از **ماجن**، یک شعر سروده **منصور گرکاشی**، یک شعر از **صادق** و یک شعر نیز از **ملای جزیری و فقیه طیران**.

سه شعر دیگر نیز یافتیم که یکی از آنها سروده باته ای است که سرآغازش اینگونه است:

"ژ چریا پاشی پی دا مه لای باته پی کانی"

شعری هم متعلق به **بکر بیگ ارضی** می باشد. این سه شعر را **ملا خلیل ابن محمد بدوحی**، در شهر موصل برایم سروده است.

ملا خلیل پیرمرد تیزهوشی است. رباعیات خانی که به چهار زبان مختلف می باشد را دوستی دیگر برایم فرستاد. و قلمی زیباترین چاپ این دیوان نزدیک شد. جناب استاد **شیخ محمد محسن بریفکانی** دو شعر از **شیخ نورالدین بریفکانی** را برایم فرستاد.

همچنین دو شعر **شاه پرتو حکاری** (این نام در برخی از کتابها این چنین نوشته شده است: پرتو بیگ میر حکاری، پرتوی حکاری، ادا است انتشارات ژینا نو) را از **مجله دهنگی گیتی تار** (صدای دنیای جدید) برگرفتم.

مناسب دیدم که این اشعار را به نام **دیوان کرمانجی** به چاپ برسانم.

زیرا از این نام شایسته تر نام دیگری به ذهنم نرسید. این دیوان از ۲۵ شعر تشکیل شده است. تا کنون منتشر نشده اند، بجز اشعار پرتو. این اشعار چون سروده شعرای قدیمی گرد می باشند به همین دلیل بسیار زیاده و ارزنده هستند. شعرای مانند: علی حریری، او که فیمی ترین شاعر گرد کرمانج می باشد، به گردی کرمانجی (لهجه بهدینانی) در قرن دهم هجری مطابق با (۱۶ م) شعر سروده است.

علی حریری هم عصر ملای جزیری بوده است، اما به نظر می‌رسد که وی از لحاظ سن و سال از ملای جزیری بزرگتر بوده و قبل از وی شعر سروده است.

تا کنون در هیچ کتابی شعرهای علی حریری را م‌شاهد نکرده‌ام و گمان نمی‌کنم نزد کس دیگری هم باشد. به همین دلیل این دو شعر او بسیار پربار هستند. تا کنون شعر کرد دیگری شناخته نشده است که قبل از علی حریری، ملای جزیری و فقیه طیران بوده باشد. همچنین به نظر می‌رسد قبل از حریری و ملای جزیری شاعری سورانی بوده باشد و یا حتی شعری به گردی سورانی سروده شده باشد. زیرا دیوان الی، اولین دیوانی است که به لهجه سورانی در قرن سیزدهم، توسط ملا خدر نالی تألیف شده است. یعنی دو قرن بعد از علی حریری و جزیری و پس از ظهور شعر و ادبیات گردی که مانجی شمال، یا به عبارتی به‌دینانی امروزی.

جای سوال است، چرا شعر در لهجه سورانی دو قرن پس از لهجه کرمانجی آشکار شده است؟

به نظر می‌رسد، دلیلش می‌تواند این باشد که ظهور طلوع سیاسی جدید گوردستان از قرن دهم هجری (۱۶ م) با رخ دادن جنگ چالدران آغاز می‌شود. جنگ رخ در سال ۹۲۰ هجری (۱۵۱۴ م) میان سلطان سلیم عثمانی و شاه اسماعیل صفوی یعنی مابین ترکها و ایرانیان رخ می‌دهد. این مسأله در گوردستان میانی باعث اتحاد میرنشین‌های گرد شد که تحت سلطه ترکان یعنی دولت عثمانی بودند.

به احتمال زیاد این اتحاد و به عبارت بهتر، اتحاد فدرال در بین فرمانروایان گرد کرمانج و ظهور تاریخ جدید گوردستان بر روی علمای گرد و اعتقاداتشان تأثیر گذاشته باشد.

همانند اعتقادات و باورهای ملی قدیم که به شکلی تازه روپیده باشد ولی نه به معنایی نو. به همین رو متفکرین گرد، به زبان گردی، لهجه کرمانجی شعر سروده و نوشته‌اند، مانند: علی حریری، ملای جزیری، فقیه طیران، احمد خانی و ملای باته ای. ولی مکریان، سنندج و شارزور اینچنین نبودند. زیرا آنها بیشتر تحت سلطه ایرانیان بودند و در بین آنها اتحاد وجود نداشت.

گفته می‌شود قبل از لهجه سورانی به لهجه هورامی شعر نوشته شده است، ولی چنین اسنادی تا کنون در دست نیست.

در زمان حریری و جزیری، مابین عثمانیان و ایرانیان جنگ‌های بسیاری در خاک گوردستان رخ داد. شهرهایی مانند حکاری و ران تا دیاربکر و بسیاری از شهر و روستاهای گوردستان زیران شدند، از دیرباز گردپوری (وطن دوستی) وجود داشته است تا جائیکه میر شرفخان بدلیسی که کتاب "شرفنامه" را در سال ۱۰۰۵ هجری نوشته است، برای ایجاد اتحاد بین سیرنشین‌های گوردستان ارتباط برقرار کرده است. هدفش از این رابطه تأسیس اتحادی فدرال بود که پایتختش جزیره دیوان بود. در کتاب "تاریخ گرد و گوردستان" در صفحه ۲۰۲ تأکید این زکی نیز به همین مورد درباره شرفنامه اشاره شده است. در این دیوان کرمانجی، تاریخ زندگی علی حریری، طیران و باته ای نیز نگارش شده است. معتقد هستم مطالب جدیدی در مورد زندگی آنها نوشته شده است. خصوصاً درباره زندگی علی حریری و طیران، که تاکنون در این باره مطالب بسیاری نوشته نشده بود. همچنین اگرچه کم، اما

درباره باته ای و دیگران هم برخی مطالب در این باره بیان شده است.

درباره مینا، ماجن و صادق اطلاعات زیادی ندارم. تنها چیزی که می‌دانم این است که آنها ۲۰۹ سال پیش زندگی کرده‌اند. امیدوارم در روزهای آینده، شعرهای دیگری از ایشان به دست آید تا زندگی آنان برایمان روشن‌تر شود. همچنین زندگی منصور، بکر بیگ و شاه پرتو نیز در حال بررسی از ابهام است.
(.....)

شایان ذکر است، در این اشعار تعدادی کلمه اشتباه به چشم می‌خورد. من نمی‌توانستم این اشتباهات را اصلاح کنم، چون این اشعار را به گونه‌ای بهتر نتوانستم بیابم. به همین دلیل برخی ساعدی‌ها روان نیستند. شاید در آینده این سروده‌ها به گونه‌ای بهتر یافت شوند. همچنین این اشعار منسوب به این شاعران هستند، چون فقط در یکی دو مورد از آنها، نام شاعر در پایان شعر نوشته نشده است. و آنهم به این دلیل است که این اشعار ناقص هستند.

امیدوارم، این کتاب کمکی باشد برای کسانی که در زمینه جمع‌آوری و انتشار اشعار شعرای قدما، کُر فعالیت می‌کنند.

06 07 1970

عبدالرقيب يوسف